

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری

سرمدیر: ا. شمس

عنوان: تلگرافی

نامه آذربایجان

جای اداره: خیابان تربیت کوچه پنجاهی روبروی دبیرستان پرورش

شماره ۲۹ - سال ۱۳۲۰

۱ شنبه ۲۶ بهمن ماه

وجه آبونمان:

سالانه ۸۰ ریال

ششماهه ۵۰ ریال

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

قیمت تک شماره درهه جا: ۵۰ دینار بعد از سه روز در اداره کرایال

زمانه آذربایجان از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام و برنامه آذربایجان منتشر میشود و رویه آن تشریح حال گذشته - تشخیص علل مفاسد اجتماعی - پیدا کردن راه چاره عملی برای رفع آنها میباشد

فقرا در چه حالند ؟

بقیه از شماره قبل

بدین صورت خوبست اولیاء امور دولتی و متمولین مهم مملکتی خود شخصا در صدد تحقیق حال فقیران برآمده و در راه نوع پروری فکر باطل را زیر پا گذارده ، با عزم راسخ با بیچارگان و بدبختان تماس حاصل نموده تا بخوبی از وضعیت اسف انگیز ایشان باخبر باشند من همه چیز خود را فراموش کرده ام و این تنها من نیستم ، تجربه نشان داده است که وقتی ، انسان اما انسان حقیقی تصادف با شخصی میکند که دردها و رنجها و بدبختیها و مصیبت های او برتاب بیشتر از خود این شخص است فوری بیاد دردهای آن بدبخت میافتد و درد های خود را فراموش میکند . بالاخره هر انسان که بفهمد خدمت بنوع در فرهنگ زندگانی چه معنائی دارد . البته تاجان در بدن دارد از هیچگونه جانپازی دریغ نخواهد داشت کسیکه در باغ زندگانی موقع چیدن گل امید ، دستش با خاری تصادفی نموده باشد خواهد فهمید بدبختی یعنی چه . عین اله خاکپائی

آقای غفاری که اصلا آذربایجانی بوده ومدت ۲۰ سال است که از تبریز تهران رفته اند برادران آذربایجانی خود را فراموش ننموده و مبلغی برای تقسیم به درماندگان آذربایجان ارسال داشته اند . علاوه بر آن بموجب مقاله ای که در شماره ۲۷۹ روزنامه اطلاعات نوشته شده است یکمده از آذربایجانیان مقیم تهران تصمیم گرفته اند که برای جمع آوری مبلغ معتناهی بمنظور کمک بینوایان آذربایجان اقدامات مؤثری بنمایند .

ما در نوبه خود از این اشخاص نوع پرست و ملت دوست آذربایجانی تشکر نموده از سایر آذربایجانیان ساکن تهران و سایر شهرها نیز انتظار چنین جوان مردی و عاطفه را داشته امیدواریم این وجوه نیز بطوریکه جمعیت آذربایجان پیشنهاد کرده برای تاسیس مؤسسات عام المنفعه اساسی بمصرف برسد . آذربایجان

برای آزادی ملل گرفته شده است مطالعه نموده و بعد اظهار عقیده بنمایید . خوانندگان محترم میدانند که پرچمدار چند سالی است که خود را برانگیخته از طرف خداوند فهمانیده و جهانیان را برای یکی نمودن دین و پیروی از خرد دعوت مینماید و خرد خود را بالاتر از تمام خردها مینماید . خردمند ! مزبور تقریبا بیست و سه سال پیش کتابی بنام شریعت احمدی در تبریز نوشته است که در آن کتاب پاره مسائل دینی از معجزه و غیبت امام دوازدهم و غیره را ثابت نموده است و بعدها پس از چند سال راه رستگاری و آئین را نوشته آنها را خرافات و مخالف دانش و تاریخ پنداشته است ، بنا بر این معلوم میگردد پرچمدار خرد ثابتی نداشته و تغییرات محیط و زمان خرد او را نیز تغییر داده اند . چه مادامی که از محیط تبریز خارج نشده بود همان خرافات را با خرد خود سازگار دانسته و پس از اینکه بتهران یا سایر شهرهای کشور مسافرت نموده معتقدات سابق را برخلاف خرد پنداشت . ما تصور میکنیم پرچمدار اگر مسافرتی بسایر کشورهای دنیا نیز بنماید بطور حتم باز خرد او تغییر یافته معتقدات کنونی را نیز مخالف دانش و خرد خواهد دانست لذا بعقیده ما لازم است او چنین مسافرتی نموده و بعد در اطراف مباحث اجتماعی و ملی اظهار عقیده نماید .

بقیه مقاله راجع به

فاشیسم

در شماره های بعد مفصلا

نوشته خواهد شد به خوانندگان

محترم خواندن آنرا مخصوصا

توصیه می نمائیم .

گج اندیشی !

بوده و روزنامه هائی بزبان آذربایجانی انتشار یافت ... ولی کسان هشیاری بزبان آن پی بردند و جلوگیری کردند ... سپس در جنگ جهانگیر ۱۹۱۴ باز این جنبش از نو برخواست . ولی دموکراتها بک جلسه عمومی تشکیل داده از آن جلو گیری نمودند . و در زمان سرلشگری آیرم در آذربایجان باز گفتگو از زبان رواجی یافت و با کوشش آیرم تصمیم در باره اینکه در دبستایها و ادارها و انجمن ها تا حد امکان گفتگو با فارسی باشد مؤکد گردید « اگر کسی تاریخ کشور را از آغاز مشروطه بدقت بخواند معلوم میگردد سالهایی که پرچمدار می نویسد زمانی است که فشار ظلم و دیکتاتور توری در اثر پاره حوادث بین المللی تخفیف یافته و افراد ملت توانسته اند برای مطالبه حقوق حقه خود و برقراری اصول دموکراسی برخیزند ولی باز در نتیجه سیاستهای خارجی استبداد از نو قوت گرفته و طرفداران آزادی از بین رفته اند - مسلم است تصمیم هائیکه از طرف سرلشگر آیرم در باره رواج زبان فارسی شده هیچوقت جنبه ملی نداشته و دیکتاتوری صرف بوده است . علاوه بر آن تاریخ و مرور زمان ثابت نموده است اشخاصیکه در سالهای پیش رواج زبان مادری را مضر تشخیص داده و پرچمدار آن را دموکرات ! نامیده است اولاً پاره از آنها برای عوام فریبی خود را آزاد یخواه و دموکرات نام نهاده و بعد ها همان اشخاص در دوره دیکتاتوری پهلوی یا پیش از آن مصدر امور بوده و خود مجری اصول دیکتاتوری و استبداد بوده اند . ما آنان را خائنین ملت و آزادی شناخته و نام آنها را در تاریخ بخیانتکاری میبریم . نایا دموکراتهای واقعی که آن زمان جمع شده بودند خود پرچمدار را از تبریز بیرون نمودند بعلاوه پرچمدار ایراد های دیگری کرده ، درباره سوسی و بلژیک و تعریف ملت و غیره اظهار عقیده کرده است مادر این مسائل به پرچمدار توصیه میکنیم قبلا تاریخ دموکراسی و تصمیم هائیکه در کنفرانسها و انجمن های بین المللی دنیا

اخیرا روز نامه « نوبیدی » بنام رچم بدست ما رسید که در شماره های ستین خود مقاله هائی تحت عنوان در باره آذربایجان نوشته شده و اج زبان مادری را در آذربایجان رد انتقاد قرار داده است . مانیز ای اینکه « دلایل و گفته های او در غی دل های ساده جای نگیرد » ناچاریم غی چند بدیم البته پرچمدار گفته ی ما را بخود نخواهند گرفت چه ما و او تاسی نموده میگوئیم « ما بسیار زها خواهیم نوشت و بسیار ایرادها مهم گرفت ولی هیچگاه سر مجادله و اهیم گردید » . علاوه بر این گرچه چمدار خود نیز خاموشی ما را در بل گفته های خود اصلح دانسته است ما تا این اندازه درباره ایشان مبالغه رده و پاسخ میدیم :

ایراد هائیکه پرچمدار نموده است ی ساده و مضحک بوده و بطور حتم بود او مغالطه کاری و مغالطه بوده چه میگوید « شما اگر برآستی دار ترکی هستید و آنرا دستاویزی ی پیشرفت اغراض خود نگرفته اید چرا اکنون در چنین هنگامی به برخواستن اید » تعجب در این است اینکه پرچمدار خود را مورخ و عالم باعی تصور میکند چنین سؤال بیگانه نموده است و سؤال او عینا مثل این که کسی بروزنامه های امروزی کشور د بگیرد شما که مظالم و بیعدالتی دوره پهلوی را میدانستید چرا پنج ش ماه پیش آنها را نمی گفتید ؟ ! م است زمانیکه اگر مثلا دو نفر بل یکی دو کلمه بزبان مادری حرف د شدیداً تنبیه و مجازات می گردید نوبه ممکن بود آزادانه روزنامه ای بان مادری نشر داده و به رواج آن ن کوشید ؟

دیگر میگوید « داستان زبان ترکی کی ندارد . از زمانیکه مشروطه بر- راست آن شوز و جنبش در آذربایجان

آنادیلین یازماخ یوره گیمین ایستکلی دیله گی در

آذربایجان روزنامه سنین محترم مدیری : نیچه گون اول سایسی ۱۹ اینجی روزنامه ده آنادیلیمیزه علاقه لی اولدوغوموزا کوره بیر مقاله یازمشدیز بیز قزوین شهرینده اولان آذربایجان- لیلار ایچون چوق چوق درین اثرلره متتج اولموشدور . هامویا گونشدن آیدین و ایشیقدی که بیزیم دیلیمزین بین الملل اهمیتی یوزلر مرتبه فارسی دیلیندن حتی فارس دیلینده دانیشان- لارین اقرار یله آرتیق دیر . بیله که منیم بیر تهرانی یولداشیم وار ایدی بو- یولداش وطنداشلاریم آذربایجان لیلار ایله آنا دیلیمیزی قونوشماقدان و دانیشماقدان منی انتقاد ایاردی . و منده کمال افتخار ایله نوز دیلیمزین اهمیتی آوروپادا و آسیادا بونا آنلا- داردیم . اتفاقا اوج ایل بوندان ایلری آتاسی بونو تحصیلاتنی تکمیل ایتمک نوزره پاریسه گوندردی . بیزیم بو- تهرانی یولداشی کیچن آئی گوردوم . بو باشلادی چوق گوزل آذربایجان ترکجه سینده دانیشماغا ، استعجاب حالینده بوندان سوروشدیم که سن بیزیم دیلیمیزی هارادا اوگردین . جوابینده دیدی من پاریسه قدر هر

بیره گیتدیم گوردوم خارجی لر ایله ترکجه دانیشیلار . ایمدی بیزیاخی بیلیک که بیزیم دیلمزی آوروپا ملت لری اوشاقلاری مکتبلرینده اوخو- یوللار . حال بو که بیز نوز دیلمزی اوخوماقدان محروم اولونموشوق . صونوندا وطنداش لیریم آذربایجان- لیلارین نوز آنا دیلیرینده چالیشماق لارینی که اوزون مدت لر نوز آنا دیل- لرینی یازماقدان و اوخوماقدان محروم قالیشلار و عزیز نولکه مزین گوزل و پارلاق فکری پازانلاری مخصوصا آقاییان بی ریا و داد پرورین بومقدس یولدا سورده کلی توفیق لرین تانریمدان ایستیرم . اوجا و کسکین سس و آلتیشلارلا بیرلیکده سویلر بق یاشاسون هر ملت که بیزیم و نوزلری ایچون مساوی حق حیات و دیل استقلالی قائلدر . محو اولسون بیزیم دیلمزین عدم ترویجی چالیشانلار و نوز که لره یالتاق لانانلار .

آنام دیلین سومره م گوزلریم بیک تکی ن عزیز بیلم اونی اللریم امکی تکی ن چالیشاروخ اونی او گرنمکه علاقه ایله یاساخ اولونسادا یازماق لسان ترکی تکی ن ع- امینی تبریزی

یازان : احمد اسپهانی

استبداد و قانونسز لقه نهایت ویرمیلیدر

پهلوی استبداد دولتی نوزسیاستی ایله شهرلر و کندلرده چوخ ناراضیلق تولید ایلمشدی . بو استبدادین ضدینه آزادلق انقلابی زمینیه سی حاضر لاندی ولی یوخسول و فلاکتده قالمش داغیتق ایران زحمتکش لری او قدر قدرت صاحبی دگلدیلر که اسارت زنجیرینی سیندیرب آزادلقه یتشمینلر . ایران زحمتشکلری نوز آزادقلارینی آزاد- لق جنگی دوره سنده اله کتیردیلر . ایندی دنیا ایکی جبهه یه بولونوبدر بر طرفدن آزادلقی بوغماق ایستین فاشیزم . دیگر طرفدن آزادلقی مدافعه

ایدن دموگراسی جبهه سی . ایراندا جنک دوره سنده اولان دگیشکلردن صونرا هر بر آزادلق ایستین لرون وظیفه سی در که یالانچی و استبداد طرفداری وطنخواه لارون چقار سنلار جماعتی باشا سالیمنلار که اونلارین وطنی سومه لری استبداد عقیده سنی نوز شخصی منفعت لرینی گیزلتمک اچوندرقار قانین طاموس پر یله نوزنی بزه مه سی کیمی . پهلوی دوره سنی خلاصه اولاراق گوزدن گچیرسک ، گوزولور که : او دوره سیاسی نقطه نظر دن قشون افسر لرینون و پولیس دستلرینون دیکتا- تورلوقی ایدی . بقیه سی وار

محترم آذربایجان روزنامه

سنین مدیرینه

۱۴ بهمن آخشام ساعت ۴ ده آذربایجان زحمتکش لر کلوبوندا مرحوم دکتر تقی ارانی نین نولومی مناسبتیله دانیشیق کیچدی . ایرانین قهرمان و آزادلیق سوهن اوغلی دکتر تقی ارانی ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ جی ایله استبدادین آغیر ظلمی آلتیندا نولدیریلدی بتون ایرانین خلقلری و زحمتکش لری آزاد- لیق یولوندا چالیشان بویله بر قهرمانی هیج وقت اونوتمایا جاقلار .

بو عزیز قارداشیمیز زندان دا اولارکن دورت گون آجلیقدان صونرا ۸ نفر ایله برلیکده هره سینه اوج یوز شلاق و ورولاراق اللری قون- لاری زنجیرلی قارانیلق گوشه لرده صون نفسینه قدر مبارزه آپاردی .

ایلار اوزونی استبداد ایله مبارزه آپاران بتون ابران خلقینه بر قورتو- لوش یولی آخترماق ایچون وار قوه سیله چالیشان بویوک برآزادی- خواهی آذربایجان خلقی و بتون ایران زحمتکش لری بوگون خاطر لایر- او عزیز دوستوموزی و قارداشیمیزی استبدادین ظلمی و اولکی رئیس نظمیه مختاری کیبیلر آرادان آپاردیلار . آذربایجانلی اوغلونو و بویوک قهرمانی بوگونگی گون خلقمیز اپتیردی .

مینرله گنجلرین و آزادی خواه لارون نولومونه باعث اولان و فرمان ویرن قاتیلردن بری ده مختاری و اونون اطرافیندا خائن لر و جانی ار اولموشدور .

آذربایجان زحمتکش لر کلوبون- دا مرحوم دکتر تقی ارانی نین عکسینی آزادی خواه لاردان داداش تقی زاده نوز ایله یوقاریا قالدیر اراق دیواره آسدی و دکتر تقی ارانی نین ترجمه حالینی و آپاردینی مبارزه لرینی باشقا قارداشلاریمز سویله دیلر . و آزادلیق سوهن آذربایجان اوغلی دکتر تقی ارانی نین تانیش ایندی لر .

یاشاسین حقیقی آزادلیق امضاء و . میررحیم

اویادیرام اویادا جان

منی بیر وقتیکه آنام د گوزلریمی آچدیم گوردوم = قرانلوق چولدی هامی یاتوبلار یاتدوم بیر نیچه ایل لردن سونر غفلت یوخوسوندان آیلدیم که قافله گیچیر و هارای و سس و ورور که ای یاتانلار دورون ایاقه آز یاتمالی وقت دکیل؛ اما حیف او بوجماعت غفلت یوخوسونا گید و اویا نیرلار که بو گوزل آغاشلار میوه لر درسینلر و لذت آپارسی من کاروانه طرف قاچوب اون چاتدوم منی ده وه دهن اوسته چی تبدیلار و منه یماق ایشماق و بر بیر صورتده که من هیج اوجور ن یماق ایشماق کورمه میشدیم و کلمه صحبت ایتدیک بیروقت آنلا که گوره ک بویاتانلاریدا که منده اون کیمی بیر اوزون مدت غفلت یوخو- دوچار اولموشام اویاتماق .

اوزومی دوه دن بیره آتدیم و یاتانلارون باشی اوستنده قاچدیم ایندی گلیمش بو بینوا لردن خیلک اویاتمیشام و داهی دا قالانلار اویادا جاقام و من ایستیرم که یاتانلار بوگون که سعادت دور ایان دورسونلار تا بلکه خوشبخت اولسونلار و اگر آیلیماسالار نیچه که آ و بابالاری فقر و فلاکت و پریشانلوق اودوندا یانوبلار و یول کسنلرین تپیل و سیخاکی و قاراما آلتیندا اولوبلار اونلار کیمی اولاجاقلار ونه کی اوز لرین بلکه اولادلارینی ده اوز لر کیمی بدبخت ایلیه جاقلار .

بو جماعت نه قدر که بوچولده یاتوبلار و قاردا که یاغماخ باشلیب بیروقت که هوا ایازلادی بونلاری قار شه خده سی چاتدادا جاق دور گره که بو قالان یاتانلار ا سس و ورماق و قوماماق که بونلار بو برده یاتانلار و اگر بو قالان آداملار بوگون یوخودان آیلسالار صاباحدان یا خشی دور و صاباح آیلسالار بیش گون بوندان صونرادان یا خشی دور . ع- ع- ن

دیله کیم حقدرد

کلون قارداشلار ویرک ال اله
 کهنه دنیایه سلاق زلزله
 سالوب دشمن لر بیزی انگله
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

کلون برله شیب ایدک اتحاد
 قویاق تاریخه شرفیله آد
 آنا یور دونو یاشاتاق آزاد
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

کلون برله شیب ایدک اتفاق
 ظلمی کوکندن چخاروب آتاق
 حریت آلوب مقصده چاتاق
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

کلون انتقام قلنجین چکک
 جلاد دشمنین باغرینی سوکک
 داغلمش یوردی تازه دن تیکک
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

وطن گوزلیور بزلردن امداد
 ظالمار الیندن چکیر فریاد
 آنا یوردوموز اولوبدور برباد
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

وطن قارداشلار اولونز حالی
 دیله کیم حقدرد فتنه دن خالی
 آنا دلیمز آزاد اولمالی
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

حریت نوری دوشوب دوغیوا
 قورتولوش سوزین یازباغیوا
 آزادلیق فکرین یای تورپاقیوا
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

کلون مردانه گمک میدانه
 آزاد حق آلاق آذربایجان
 وطن اوغروندا پله شک تانه
 هایدی قارداشلار همت وقتی در

ایتمیشلر بیز ووشندگان روزنامه

بکلیه فروشندگان روزنامه در اطراف شهر تبریز و شهرستانها حساب
 روزنامه را که تاکنون بقی مانده است متوجه بفرمایند تا در روزنامه
 بفرستند و هر کس که بفرستد در وجه آن روزنامه بفرستند و اگر
 تا شماره دیگر ارسال داشته باشد بفرستد تا در روزنامه بفرستند
 نامه فرستاده نخواهد شد.

مقدار شش سهم ونیم از سهام شرکت سهامی روشنائی
 تبریز بفروش خواهد رسید طالبین بدفتر روزنامه آذربایجان مراجعه فرمایند

سن گرکدور واقف ایله گزه سن
 گورسنمیه هرگز اغیاره تیل لر.

آذربایجان بو آدلی ، سانلی
 شاعری ابراهیم خاندان سونراقارباغ
 خانلقین الینه آلمش محمدبیک جوان
 شیر طرفندن هجری ۱۲۱۲ هجری تیل
 صفر آیندا اوغلی عالی آقا ایله بیر -
 لیکده شیشه ده جدیر دوزی دییان
 برده قتل ایتدیر یلمشی قبری ایندی ده
 همین برده واقعدرد . واقفین کلیاتی

دفعه لرله چاپ ایدیا مشدور .
 آذربایجان جمهوریتین
 قراریه بیر نچه نفر معمار و رساملار
 اونین شیشه قبری اوستنده و باکودا
 نظامی نامه موزه ده قویماق ایچون
 هیکلین و مقبره سینین یروژه سینین
 حاضر لیوبلار . بو ایش ایندی عملی
 صورته اجرا ایدلمکده در .

آذربایجان ادبیاتی ملا پناه «واقف» یازان غلامی

ملا پناه واقف آذربایجانین ان-
 لر با و خوشاکلیم شاعری اولموشدر
 او آذربایجان دیلنده یازیلان شعر -
 رین عروض و زنننده یوخ - هجا
 چایلارین و گوزلرین تصویر ایتمشدر
 واقف کور چاینین اطرافین بیله قلمه چکیر :

کور قیراغین عجب سیرانکاهی وار
 یاشیل باش صونار حیف که یوخدور
 اوجی تر جیقهللی سیه تیل لرون
 هر دم تماشاسی حیف که یوخدور .

قیش گونی قیشلاغی قیراق باسانین (۱)
 کوزیدر ایرانین ، جمه جهانین
 بیله گوزل برین ، گوزل مکانین
 یسر گوزل اوباسی حیف که یوخدور

چوخ دور آغ بدنلو ، بلور بوخاقلی
 لاله زرخدان لی ، غنچه دوداق لی
 اما شیرین دیللی ، آچیق قاباقلی
 گونل آشناسی ، حیف که یوخدور

زر حاشیه ، آل نیم تنه اوستونده
 خال لار یوز یانیندا ، چنه اوستنده
 بوخاغین آلتندا - سینه اوستونده
 زلفنین بورولماسی حیف که یوخدور .

چونکه یورغونی یام من بو یول لارون
 بیلیرم طرزین له اصول لارون
 قزیل قول باقلی - بیاض قول لارون
 ساری کهرباسی حیف که یوخدور .

واقف بو شعرلرینده نوز توپرا -
 غینی ، وطنی ، خلقنی تعریفله مکله
 برابر ، آذربایجان دیلینده ده رین
 مضمونلی ؛ گهنیش فکرلی ، عالی مقصد
 گوزل بو شعری اولایلر ؛

ای مارال باخیشلی صونا صیقل لر
 نه گوزل در سنده او قاره تیل لر
 کمند کیمی توکولوب دور گردنه
 دو نوبدور سراسر شاهماره تیل لر

شانه صیقل و یروب عجب تر دوشوب
 هورولوب قد ایلن برابر دوشوب
 سانه سن ملک دن بال و پر دوشوب
 دوزولوب دالیندا قطاره تیل لر

سنه حیران اولوب خلقین چوخوسی
 کورن لرون کسپاو بدور بوخوسی
 مشک و عنبر کیمی گلور قوخوسی
 دونوب چیندن گلن عطاره تیل لر

زلفلرین چین چین قویوب یوزه سن
 ساللان سر خوش سیرانه چیخ . دوزه سن
 (۱) برآدی در

یالانچی نین حافظه سی اولماز!

پوچ و گهنه فکر لر آذربایجاندا پر دوتماز!

دوغروداندا ایله بیلدرده وار. وقتیکه انسان شروع ایله دی یالان دانشمانا آغزینا گلگه نی دیپر وسوزین کنهنه گیتمز. بیرده گوره سن که ایله سوزلر دانیشدی که پیشمش تو یوغون گولمکی گلدی.

مثلا گوتوراخ «اطلاعات» روزنامه سینی. اگرچه بو روزنامه نین آدی اطلاعاتدر، اما باهمه این نوز حافظه - سندن اطلاعاتی یوخدر.

قارئین گرام اگر بوروزنامه نین ۱۲ آغدا ۱۳۲۰ نجی شماره سی

بوراسندا در ده اطلاعات روزنامه سی ۱۲ بهمن ۱۳۲۰ تاریخلی ۴۷۸۲ نجی شماره سینده باشقا بیرسوز یازمشدر: مثلا یازمشدر که:

«منیم وطندا اشلا ریم، نوزوجدا. نیزی قاضی قراروریرین. دین گوراخ آیا یوزایل بوندان قاباخ ترک نسلین حکومت مرکزی اولان آذربایجاندا هیچ فارسی دیلینه بیگانه دیل کیمی باخیردیلا ر می؟»

ایندی محترم اطلاعات روزنامه سی بوروزنامه گوراخ نین یازمشدر:

عمله گلیمش بویوک نهضت، آذربایجان سماسنده، اوزوت ایلر بویو استیلا ایتش قرانلوقی، نوز لطیف نوری ایله داغیدان بیر آیا بنزه یر. بزیم بونور ساچان آیمیز مزدور حیله کارلاری آجیقا سالوب اولناری اوزلرین میدانه آتماغا تحریک ایدیر. ضلالت برچی نین حاملی اولان حکم آوارلی سید احمد که کسروی عنوانی نورو، بند ایلیوبدر، معترض لر سوری سونون قاباقدا گیده نی سایلیبر.

نوز خلقین دشمنی سایلان بویول ایترمش نادان، نوز خلقی نین ده یازماز برفرتی حساب اولونور.

بیرچه یی قیدقدن یوز...

ین (پیمان آدی) ضلالت مجله سنی اوخیوب اونون آغزین فکر لر ینی آنلیوب اونا قارشی بویوک ب نفرت بسله میشدیلا ر. حکم آوارا آغا نچه مجلس ده فارسی دانشما باشلادی، اما آنا دیل لرینی پرستند درجه منه قدر سومن تیریزی لر اونا آچقدان آجیقا سویله دیلر که آذربایجان نولکه سنده اونون متاعین مشتری یوخدور. خلاصه بو سبه اولدی که مریدلری طرفدن «آغا

ایدیمش (۲۶۹۸) نجی شماره سینی اوخوسالار، سر مقاله ده بو سوزلره تصادف بویورارلار:

«تمام نژاد شناس اولانلار و آذربایجانین تاریخی ایله آشنا اولانلار بیلرلر بو بیر حقیقت تاریخیدر که آذربایجانلی تورک دگل و تورک نسلین دن دگل».

«آذربایجاندا کی ترک دیلی بیر قوندارما دیلدر بویورده ترک نسلین و زرقی یوخدر»

خوب بیز ایله تصور ایداخ که بو سوزلر دوغرو در. لاکن ایش

رین همسید، یانچ بویورلر سوزلر «آذربایجانلی ترک دگل و ترک نسلیندن دگل» و بیرده بویورلر سوزلر که: «ترک نسلین حکومت مرکزی اولان آذربایجاندا و الخ»!

گاه نالا وورورسوز، گاه دامیخا، قارئین ده بلیمیر سیزین آندوزا ایند ن سین و یا خوروزون قویروغونا. بیزیم سزه بر مصلحتمزوار: یالان دانشاندا ایله دانیشین که صورنا نغوز چیمسون و لا جمعه نین قاباغندا قیزروب تیرلامخ یخشی دگر. غلام ششگلانی

که تبریز محیطندن خارجهه یا شایور نچه آی قاباق ایرانده عمله گلن تغییرات طی نده نوزونه مرید قازانوب و اولنارین وسیله سیله دار الشورایه و کیل اولماق خیالی ایله تبریزه گلدی. اما طالع سیزایگندن اونون پیس روحونون آئینه سی اولان قورو و سویوق سیماسی، آجی مغرور مصاحبتی پوچ سوزلری هیچ کسین خوشونا گیتندی نوز خنبه سنه و دیننه زینق درجهه علاقمند اولان تحریز

کینه ایله دولی بیر حالدا تهران قایتدی اووقت بزیم آزاد لقمزین، بزیم آ دیلمزین دشمنی اولان شخصلر «ایلانی سید احمد ایله دو تفاق فکریه دوشوب» ضلالت برچمنی بو یولدا، آرمیش اتی آجی حکم آوار فاکول سینی قورتارمش پیغمبرین آیند وردیلر. اما بو آدام بوتون آذربایجا خلقی نین نفرتینی قازانماقدان سوا، بیری بیر نتیجه به نایل اولایلمدتی حقیقی و

تشکر و سپاسگزاری

از آقایان مجترمیکه در مجلس ترحیم والده ام اظهار مرحمت و همدردی فرموده بودند اظهار تشکر نموده و بواسطه کسالت مزاج از عرض سپاسگزاری معذرت خواسته امید عفو دارم. کاظم گوشه

اخطار بفروشدگان روزنامه

بکلیه فروشندگان روزنامه در اطراف اخطار میشود که حساب روزنامه را که تاحال باقی مانده است منتها تا یکماه به ادبزه روزنامه بفرستند و هر کدام از فروشندگان وجه هر شماره را که ارسال میگردد تا شماره دیگر ارسال داشته و یا ضامنی در تبریز معرفی نمایند والا روز نامه فرستاده نخواهد شد. ۳-۲

تصحیح

در بیانیه ای که روز ۱۶ بهمن ماه از طرف حزب توده آذربایجان نشر شده بود مرکز حزب را در تبریز خیابان پهلوی (پشت عمارت شهرداری) نوشته بودند اینک نظر بر اینکه اسم خیابان پهلوی عوض شده است، جایگاه حزب را خیابان ستارخان (پشت عمارت شهرداری) اعلام میدارد.

سلیمان حکمت

تصادف

بردن کوزوم ساتاشدی خیاباندا بر قیزا قاقاسدا کی حیاتی نی من آندم، آغلادم. دایردی، نارین دی... هوما ایرانی، هیچ ۱۱۸۱ آهندن اود دوتوب او قزین، یاندم، آغلادم. دردین نه در؟ دیدیم، دیمه دی؛ آخدی کوزلری سوز سوزده جانلی هیکلی من قاندم، آغلادم. محزون باخیشلاریندا یازیلمشدی سانکه بو: گون واردی نوز یووامدا بیر انساندم، آغلادم. سولقون دوداقلاریله دیدی: قارداشیم ایشیت وقتیه منده کوزلری جیراندم، آغلادم. نامرد ارلوم، دیدیم سنی قورتارماسام اگر، یوکسلدی آسمانه منم آندم، آغلادم. گلدی خیالی قارشیم آه... یا تمامد گیجه گوکلرده هر نه وارسا بوتون داندم، آغلادم.